

اهداف مهم آموزش و پرورش ایران باستان

را می‌توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

- ۱- هدف دینی و اخلاقی که تحت تعالیم زرتشت به شعر پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک جامه عمل پوشانند.
- ۲- هدف نیرومندی و بهداشتی برای تندرستی و پاک تنی و راستی و جوانمردی، چنان که در دین زرتشت پاکیزگی تن برای هر زرتشتی از وظایف دینی است و ناپاکی تن و بیماری به اهریمن منسوب است.
- ۳- هدف جنگی و نظامی جهت نگهداری حدود مرز و بوم و حفظ آرامش و دفاع در برابر دشمنان.
- ۴- هدف اقتصادی به جهت تهیه نان و قوت مردم و رفاه و آسایش آن‌ها و حفظ خانواده و توسعه صنعت و هنرها.
- ۵- هدف سیاسی به جهت روابط عمومی و امنیت و کشورداری و روابط خارجی

سازمان آموزشی ایران باستان:

در طی قرون و اعصار متمادی سازمان تعلیم و تربیت یکسان نبوده است و به فراخور زمان اماکن آموزشی اعصار باستان متفاوت بوده‌اند. لیکن در قسمت اعظم این مدت،

خانواده و آتشکده و آموزشگاه درباری به پرورش اطفال و نوجوانان می پرداختند که البته در برخی قرون دبستان و دانشگاه نیز بدان افزوده شده است.

برنامه‌ی آموزشی در ایران باستان:

برنامه‌ی تعلیم و تربیت در ایران باستان را می توان شامل سه قسمت عمده دانست:

۱- پرورش دینی و اخلاقی ۲- تربیت بدنی ۳- تعلیم خواندن و نوشتن و حساب برای طبقات خاص

پرورش دینی و اخلاقی: از آن جا که آموزش های اولیه بیشتر جنبه دینی داشت ادیان را می توان نخستین پایگاه آموزش انسانی دانست که در زندگی روزمره نقش آموزش را با قدرت با زندگی فرهنگی مردم می آمیخته است و از آن جا که در اوستا فصل مخصوصی به تربیت کودک و معلم و روحانی اختصاص یافته بود و در پندنامه بزرگمهر نیز از اهمیت آموزش دینی سخن به میان آمده است و هرکسی را موظف می داند که ۱/۳ شبانه روز را صرف تربیت دینی نماید، می توان اذعان داشت که در واقع مهم ترین و یا یکی از مهم ترین قسمت های برنامه آموزشی ایران باستان، پرورش دینی و اخلاقی بوده است و این نوع آموزش به واقع رایج ترین و همگانی ترین نوع تعلیم به شمار می رفت که در خانه و آتشکده معمولاً انجام می پذیرفت.

تربیت بدنی و آموزش نظامی: یکی از مهم ترین نوع تعلیم نوجوانان و جوانان را تشکیل می داده است و هدف آن دفاع از سرحدات و لشکرکشی، پرورش روحیه ی سلحشوری و جنگاوری و حفظ وحدت می بود. برای تربیت بدنی سوارکاری، تیراندازی، شکار، چوگان، ژوبین اندازی و شنا را می آموختند .

خواندن و نوشتن و حساب کردن: که معمولاً فقط به عده معدودی آموخته می شد. به

مانند فرزندان بزرگان و نجبا و موبدان که معمولاً برای فرماندهی سپاه و حکمرانی و دادرسی و نگاهداری دفاتر دیوان و حساب و مالیات تربیت می شدند. در واقع می توان اذعان داشت که این مرحله از آموزش فقط ویژه اشراف بوده است. از سوی دیگر در این مرحله به تربیت ترجمه کنندگان زبان های ملل مختلف نیز اقدام می شده است. هم چنین مطابق نظر فردوسی، که با منابع تاریخ ایران باستان آشنا بوده است، سخنوری آموختن نیز در این مرحله همواره قسمتی از تربیت شاهزادگان بوده است.

محدودیت های آموزش و پرورش در ایران باستان:

علی رغم ویژگی های مثبتی که در روند آموزش و پرورش ایران باستان وجود داشته است متأسفانه این نظام آموزشی از محدودیت ها و یا بهتر است ذکر شود معایبی رنج می برد. بزرگ ترین محدودیت ها و معایب سازمان آموزش ایران باستان را می توان به شکل ذیل دسته بندی نمود:

- ۱- آموزش و پرورش در انحصار طبقه اعیان و اشراف و شاهزادگان بود.
- ۲- آموزش یافتگان سعی داشتند دانش و معلومات خویش را از مردم عادی مخفی دارند.
- ۳- در آموزش و پرورش القا عقیده و اندیشه حاکم بود که نتیجه اش فرمان برداری مطلق و اطاعت کورکورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب بود .

تربیت بدنی و ورزش در قرون وسطی :

با انقراض امپراتوری روم در غرب (۴۷۶ میلادی) دوران تاریخ وسطی فرا رسید که بعدها به عنوان سال های سیاه نامیده شد. البته این دوران برای تربیت بدنی به هیچ وجه دوران سیاه نبود. تهاجم بربرهای توتنی به امپراتوری روم باعث احیای آن گردید.

پیش از بررسی قرون وسطی لازم است که علت سقوط روم برای دانشجویان رشته تربیت بدنی تشریح شود. مورخان دلایل متعددی را برای این سقوط ذکر می کنند که مهم ترین آنها انحطاط جسمانی و اخلاقی رومی ها بود. حل نشدن مسائلی چون ازدواج و طلاق، ورزش های خونین، بازی توأم با خونریزی و انتحار که موجب تنزل میزان جمعیت رشد، اسراف: برده فروشی، اتلاف سرمایه های ملی که موجب تخریب اقتصاد و فساد اخلاقی می شد: زندگی عیاشانه، تبهکاری که موجب انحطاط سلامتی جسمی بود از مشخصات زندگی رومی ها بود. این درس تاریخ در روم ثابت شد که، همچنان که برای تمدن های منقرض شده در طول تاریخ نیز پیش آمده بود، برای ملتی که می خواهد پا برجا و مستحکم بماند: تحکیم مواضع اخلاقی و برازندگی جسمانی از ملزومات اساسی است.

در همان حال که امپراتوری فاسد و منحط روم در هم فرو ریخت، بربرهای توتنی وحشی و قوی از نظر جسمانی هم تمام سرزمین هایی را که افتخار روم (لاتین) بود، زیر پا گذاشتند

ویزیگوت ها قبایل ساکن مغرب اروپا به اسپانیا، واندال ها به شمال آفریقا: قبایل بورگوندی و فرانک ها به کشور باستانی گُل و کولیان آلمانی و ساکسون های بریتانیا و قبایل استروگس به ایتالیا هجوم بردند. این هجوم موجب انهدام ادبیات و دانش شد.

انحطاط هایی که در ابعاد معرفتی، اعتقادی و حکومتی پدید آمد، که پیامد آن ظهور سال های سیاه قرون وسطی بود، در گوشه و کنار جهان هنوز هم مزایا و فواید برتری های جسمانی مورد توجه بود. بربری های توتنی، مردمی چادر نشین بودند که به شکل بدوی زندگی می کردند. زندگی آنها توأم با شکار، چوپانی و شرکت در جنگ ها و ورزش ها بود. در چنین شرایط زیستی، قدرت و تناسب و هماهنگی سیستم عصبی به خوبی پرداخته می شد. بربری ها توتنی، به تضمین نسلی قوی، سالم و بسیار نیرومند در آینده کمک کردند.

((اروپای قرون دهم فقیر و توسعه نیافته و کم جمعیت بود. لا اقل در نیمی از اراضی به علت پوشیده بودن از جنگل و مرداب زراعت نمی شد. جنگ، بیماری، قحطی، مرگ میر نوزان و بی توجهی به مسائل بهداشتی جمعیت اروپا کم نگاه می داشت. حد متوسط عمر فقط سی سال بود. سفر کردن و ارتباط مردم با یکدیگر معمول نبود. تعداد کسانی که در مدت عمر خود ۱۵ کیلومتر از زادگاه خود دور شده و به جای دیگر سفر کرده بودند از صدی بیست مردم کمتر بود. مردم اروپا غربی از سه طبقه تشکیل می شدند، فئودالهای بزرگ که بر تیول ها فرمانروایی داشتند و در جنگ ها شرکت می کردند، روحانیون که در خدمت کلیسا بودند و روستائیان که بر روی زمین کار می کردند تا وسیله معاش خودشان و روحانیون و فئودال ها را فراهم آوردند. . . . روستائیان حقوق چندانی نداشتن و تقریباً یکسره در اختیار فئودال های خود بودند و علاوه بر زراعت خدمات دیگری که به آنان ارجاع می شد (مانند بریدن جنگل، بردن غله به انبار، مرمت راه ها و پل ها) انجام می دادند.

روستائیان اجاره ها و مالیات های گوناگون می پرداختند . روستائی ناگزیر بود که گندم خود را در آسیاب ارباب آرد کند ، نان خود را در نانوائی او بپزد و آب انگور خود را در عصارخانه او بگیرد و در مقابل هر یک از این کارها چیزی به ارباب بپردازد . چون پول نادر روستائیان بدهی خود را با گندم ، جو ، تخم مرغ و ماکیان و مرغان زمین خود می پرداختند .

روستائی در کلبه ابتدایی محقری زندگی می کرد و بر کیسه ای پر از کاه می خوابید . نان سیاه ، تخم مرغ ، ماکیان و سبزیجاتی مانند کلم و شلغم می خوردند . کمتر به گوشت دسترسی داشت و اجازه شکار کردن و ماهی گرفتن نداشت .

در چنین اوضاع اسفباری مشخص است که تعلیم و تربیت ازچه جایگاه و شرایطی برخوردار است . دهقانان و صنعتگران سواد نداشتند . در واقع آموزش آنها اصلاً اهمیت نداشت . برای طبقه حاکم مطلوب این بود که توده مردم در فقر و جهل نگاه داشته شوند تا آنان بتوانند به استشمار خود ادامه دهند . علاوه بر توده محروم بسیاری از افراد مرفه و صاحب تمکن طبقات عالی هم سواد نداشتند . حتی بسیاری از پادشاهان نیز خواندن نمی دانستند .

امپراتور « هانری چهارم » را تنها به این دلیل که می توانست بخوابد و بنویسد می ستودند . اما در کلیسا وضعیت متفاوت بود . کلیسا به روحانیونی نیاز داشت که بتواند بخواند و بنویسد و بسرایند و مردم را موعظه کنند و رسوم اطاعت از اربابان را به آنها بیاموزند . لذا در طی قرون متمادی تعلیم و تربیت به طور کامل در انحصار روحانیون قرار گرفته بود . اما مشکل عمده این بوده که زبان رسمی آموزش ، زبان لاتین بود . ادبیات ، کلیسا ، کتاب های

درسی فقط این زبان را به رسمیت می شناختند و این زبان هم برای عامه مردم قابل فهم بود. بدین ترتیب تعلیم و تربیت با زبان ویژه اش از توده مردم جدا بود. تنبیه بدنی در این نظام تربیتی بیداد می کرد. در تصاویر مدارس قرون وسطی معمولاً معلم با ترکه ای در دست مشخص گردیده است. در این دوران عبارت (زیر سایه ترکه زندگی کردن) سمبل تعلیم و تربیت بود.

زهد گرایی و نهضت فلسفی قرون وسطی :

اگرچه تهاجم توتنی ها در سال های سیاه از ارزش فعالیت جسمانی دفاع می کرد ، اما در همین دوران تاریخی دو جنبش دیگر آثار سوء خود را اعمال می کردند : زهدگرایی و دیگری نهضت فلسفی و فکری قرون وسطی (گرایش اسکولاستیک) .

مسیحیت و زهدگرایی خارج از رُم دچار کفر و فساد اخلاقی در رشد و جریان بود . عده ای از مردم رَم کهن از فساد اخلاقی و دنیا پرستی موجود در جامعه خشمگین بودند . آنها اعتقاد داشتند که امور مربوط به قیصر باید به قیصر و کارهای خدا باید به خدا واگذار شود . آنها مایل به پرستش خدایان رَم نبودند . لذات دنیا را پست شمرده و پرورش روح و نه جسم را در نظر داشتند . به نظر آنها زندگی وسیله ای بود جهت آماده شدن برای جهانی دیگر . به نظر آنها فعالیت های جسمانی کاری احمقانه بود ، زیرا به پرورش جسم می پرداخت . جسم شیطانی به جای پرورش باید شکنجه و عذاب می شد . جسم و روح مقولات جداگانه ای بودند که هیچ یک بر دیگری اثری نداشتند . امپراتوری مسیحی تئودوسیوس بازی های المپیک را در سال ۳۹۴ میلادی منسوخ کرد .

تربیت بدنی و ورزش در دوره فئودالیسم :

با گسترش مسیحیت ، زهد گرایی نیز قدرت گرفت . این همان تفکری بود که می گفت شیطان در جسم حلول کرده است ، بنابراین جسم باید تابع و تسلیم روح پاک می شد . طلب دنیاکاری شیطانی بود و افراد باید اوقات خود را فقط در تمرکز و خلسه صرف می کردند . جسم تملک شده به وسیله شیطان ، باید شکنجه و عذاب می شد . افراد لباس های

مویی می پوشیدند و روی زغال داغ راه می رفتند و به پاهای خود زنجیر می بستند ، آنها خود را در برابر این عناصر قرار می دادند تا شاید بهتر بتوانند جسم خود را کنترل کنند . اعمالی این چنین سلامت را به خطر انداخت و سیستم عصبی را در هم شکست .

با پیشرفت مسیحیت صومعه ها ، جایی که راهبان خود را از شاطین جدا می ساختند ، بنا گردید . مدارس نیز با این صومعه ها در ارتباط بودند . مسیحیت در اوایل ظهور مانع از اجرای برنامه های تربیت بدنی و ورزش در برنامه های تحصیلی می شد . در دانشگاه ها و مؤسسات عالی نیز (در قرون وسطی) از تربیت بدنی و ورزش استقبال نمی شد .

اسکولاستیکسیم یا فلسفه مدرسی پدیده دیگری بود که بر تاریخ تربیت بدنی اثر گذاشته است ، اعتقادی که حقایق را از مهمترین عناصر تعلیم و تربیت می دانست . رمز موفقیت در زندگی شناخت حقایق و توسعه نیروی ذهنی و قوه عقلانی قلمداد می شد . این طرز تفکر به جسم به عنوان یک قالب بی اهمیت و نه چندان ضروری تأکید داشت در مدارس و دانشگاه های قرون وسطی ، این حرکت در حال توسعه بود .

در نتیجه عدم تمرکز حکومت طی سال های سیاه بین قرن نهم تا چهاردهم دوره فئودالیسم آغاز شد. دوره فئودالیسم فرا رسید ؛ زیرا مردم به پشتیبانی و محافظت نیاز داشتند و در آن زمان امپراتورنان مقتدر و حکومت های قوی که این پشتیبانی را برآورده کنند کم بود. مردم به طرف نجیب زادگان ، قصرنشین ها و زمیندارن بزرگ روی آوردند. فئودالیسم نظام زمینداری و مبتنی بر خدمت و تبعیت از نجیب زادگان و گُرد بود. گُرد صاحب زمین ، فیف نامیده می شد. او این اجازه را داشت که یک مالک را تابع خود سازد. در استفاده از زمین مالک مدیون و ملزم به تبعیت از گُرد بود. بخش عظیمی از مردم رعیت بودند و با وجود زحمت زیاد سود کمی عاید آنان می شد. آن ها به زمین وابسته بودند و به معامله زمین و انتقال آن از مالکی به مالک دیگر معامله می شدند.

برای پسران نجیب زادگان در دوره فئودالیسم دو حرفه در نظر گرفته می شد. آنها یا به کلیسا می رفتند و پس از آموزش ، روحانی می شدند و یا به کسوت شوالیه ها در می آمدند. اگر تصمیم می گرفتند که در خدمت کلیسا قرار بگیرند تعالیم مذهبی و دانشگاهی را دنبال می کردند و اگر به کسوت سلحشوری در آمدند ، تعالیم جسمانی ، اجتماعی و نظامی را پشت سر می گذاشتند. برای یک نوجوان کسوت سلحشوری و شوالیه گری بیشتر از کلیسا حذب و کشش داشت. تمریناتی را که باید شوالیه انجام می داد طولانی و کامل بود. تمرینات بدنی نقش اصلی را به عهده داشتند. در سن ۷ سالگی پسران برای شروع تعلیم شواله گری به قلعه یک نجیب زاده فرستاده می شدند. نخست با او مثل یک پادو برخورد می شد و معلم آموزشی او یک زن از قلعه گُرد بود. در مدت پادوی او آداب احترام ، پیشخدمتی ، پیغام رسانی و کمک به اهل خانه را یاد می گرفت. باقی مانده دوره کارآموزی را در فعالیت جسمانی برای سال های پر التهاب شوالیه گری آماده می شد و در

رقابتهای چون بوکس ، دو و شمشیربازی ، شنا و پرش شرکت می کرد . پسر در سن ۱۴ سالگی سلحشور می شد و در اختیار شوالیه قرار می گرفت . در این دوران پاک کردن اسلحه شوالیه ، نگهداری از اسب و کمک به شوالیه در پوشیدن زره ، مراقبت از زخم ها ، نگهداری از زندانیان شوالیه ، از درس های بودند که باید می آموخت .

در دوران سلحشوری بر تمرینات بدنی تأکید می شد . پرداختن به تمرینات سخت و ورزش های چون شکار ، تیراندازی با نیر و کمان ، دو ، کوهنوردی ، اسب سواری و بالا رفتن از دیوار و شمشیربازی اجباری بود .

اگر سلحشوری از خود لیاقت نشان می داد در ۲۱ سالگی به کسوت شوالیه ها در می آمد . مراسم تشریفات به یادماندنی بود . شوالیه آینده حمام تطهیر می گرفت ، با لباسی سفید ، شبی را به دعا و تمرکز می گذاراند . صبح روز بعد گُرد شمشیر خود را به دوش شوالیه می گذاشت و این مراسم به عنوان مجلس اعطای منصب شوالیه ای شناخته می شد .

مبارزه با نیزه و شمشیر بازی سواره ، دو رویداد بسیار مهم برای آزمایش آمادگی شوالیه بود و در طول زندگی شوالیه چندین بار تکرار می شد . در نیزه بازی هر کدام از شوالیه ها سعی می کرد حریف خود را از روی اسب به زیر بکشد . در شمشیر بازی سواره برنامه ای طراحی می شد تا شوالیه مهارت شمشیرزنی خود را به نمایش می گذارد ، آنها مثل دو تیم در دو انتهای میدان نبرد می ایستادند و با یک علامت هر کسی سعی می کرد حریف خود را از تیم مقابل از اسب به زیر اندازد . این مسابقه تا مشخص شدن برنده ادامه می یافت . اغلب شوالیه ها نشان بانوان خود را به زره های خود وصل می کردند و با تمام توان و مهارت برای کسب افتخار تلاش می کردند . در این مبارزه احتمال مرگ نیز برای شرکت

کنندگان وجود داشت . در طول این نمایش بود که شوالیه فرصت می یافت تا شجاعت ، قدرت جسمانی و شهامت خود را به نمایش گذارد .

نوزایش در تربیت بدنی و ورزش (رنسانس)

در اواخر قرون وسطی زندگی در مغرب زمین ، آبدستن تحوّل گردید . در قرن سیزدهم پاره ای افراد ماجراجو در اروپا به منظور آگاهی از دنیای پیرامون خود به سفر های دور و دراز دست زدند و برخی از آنها مانند « مارکوپولوی و نیزی » خود را به آسیای میانه ، مغولستان و چین رساندند و با تحولات و پیشرفت های دنیای شرق آشنا شدند . بدون شک مهم ترین عامل این تحول را باید جنگ های صلیبی دانست . این جنگ ها از قرون یازدهم میلادی بین مسلمانان و مسیحیان شروع و تا آخر قرن سیزدهم ادامه داشت . اروپائیان جنگ های صلیبی را به منظور اشاعه دین مسیحیت و فتح بیت المقدس شروع کردند اما هدف اصلی بسیاری از آنها به دست آوردن زمین ، طلا و ثروت بود .

مسیحیان از جنگ های صلیبی نتیجه مطلوب را به دست نیاوردند . ولی در جریان آن لشگر کشی ها مردم اروپا که در جهل و فقر و توحّش به سر می بردند با مظاهر گوناگون تمدن اسلامی و ایرانی که در آن زمان دوران اوج خود را تجربه می کرد آشنا شدند و توانستند برای اولین بار شهرهای آباد ، مردم غنی ، بازرگانی و داد و ستد در جوامع متمدن ، معماری های مدرن و هنر و ادبیات ، تعلیم و تربیت عمومی و روابط اجتماعی سالم مبتنی بر اصول

اصیل اسلام و سایر مظاهر تمدن را از نزدیک ملاحظه کنند . . . بدین ترتیب اولین شعله های رنسانس به خرمین علم و فرهنگ جامعه اروپا افتاد .

رنسانس به پدیده اطلاق می شود که به موجب آن ، جزئیات و تحولات فرهنگی ، ادبی و عقلی اروپا آغاز شد . این نوزایش از رن چهاردهم در ایتالیا حرکت اصلی خود را شروع کرد

و در قرون پانزدهم و شانزدهم به نقطه اوج خود رسید و سپس زبانه های از طریق جنگ های نظامی و مناسب سیاسی و اقتصادی داخل اروپا به فرانسه ، اسپانیا ، آلمان ، انگلستان و سایر کشور های مغرب زمین رسید و پیشرفت های شگفت انگیز امروز آن سرزمین ها را باعث گردید.

ورزش و تربیت بدنی پس از رنسانس :

با تجدید حیات فرهنگ ، ادبیات و هنر ، علم و دانش نیز دز اروپا دستخوش تحول و دگرگونی گردید و در دانشگاه ها و مدارس ، اندوخته های عملی به تدریج مورد نظر قرار گرفت . درایت تغییر بینش عملی ، تجربیات ، نوشته ها و علوم یونان باستان و مشرق زمین مترقی مورد استفاده واقع شد و پایه اکتشاف جدید و ظهور نظریات نوین در زمینه های علمی گردید . به پیشرفت دانش تولیدات صنعت و کشاورزی هم دچار تغییرات اساسی گردید و روز به روز گسترش یافت . در این بین اختراع اولین ماشین بخار توسط جیمز وات (به سال ۱۷۷۷ میلادی) تحولی بسیار عظیم در صنعت و تکنولوژی به وجود آورد . بدین ترتیب ماشین قادر شد هزاران برابر آنچه انسان بدون تکنولوژی قادر به ارائه آن بود تولید نماید . اختراع راه آهن و تکامل سایر وسایل نقلیه باعث گردید تولیدات اضافی در

بخش کشاورزی و صنعت از نظر استفاده و مصرف دچار مشکل نگردیده و به سایر جاها ارسال گردید . این امر باعث تبادل کالا بین تمام قسمت های اروپا و رشد و توسعه بازرگانی گردید .

با گسترش روز افزون ماشین ، صادرات مازاد تولیدات صنعتی و کشاورزی به سایر قسمت های جهان معمول تر شد و هر روز سرعت بیشتری گرفت . ظرف مدت کمی کالاهای متعدد و گوناگون اروپا ، بازارهای آسیا را تسخیر کرد . این پدیده ، ثروت و رفاه برای اروپائیان را به ارمغان آورد . وقتی آنان از غم آب و نان رها شدند متوجه ایجاد تحول در سایر زمینه های زندگی گردیدند . طبعاً یکی از این زمینه ها تعلیم و تربیت بود . این تحول از زمانی احساس شد که انسان ها مصمم شدند زندگی خود را بر اساس عقل و اندیشه و خرد بنا نمایند . زهد گرایی ظاهری مبتنی بر برداشت غلط از دستورات دین را کنار بگذارد و درک کنند که بهترین نعمت ها مخصوص بدترین بندگان خدا نیست . بنابراین به عنوان اولین گام در راه این تحول انسانی شگرف به تعقل درباره نظام طبیعت ، منشأ ، قوانین ، علل و ویژگی های حاکم بر آن پرداخته و شیوه های کسب خوشبختی انسان ها در زندگی فردی ، امنیت مادی ، معنوی ، اخلاقی جامعه ، روابط اجتماعی مطلوب و سعادت کل جامعه را در مورد مطالعه و بررسی قرار دادند . در این دوره دانشمندانی مانند « جان لاک » ، « ژان ژاک رشو » ، « کانت » ، « شیلر » ، « فروبل » و دیگران ضمن مطالعه نظرات علماء یونان باستان و دانشمندان اسلامی درباره روش ها و مکاتب موجود خود تجدید نظر نموده و روش های نوین مبتنی بر نیازهای زمان و فطرات انسان را جایگزین نمودند .

به دنبال تحولات در تعلیم و تربیت ، تربیت بدنی نیز از تغییر و تکامل دور نماند . زیرا نظریات جدید بر این اصل صحّه می گذاشتند که انسان از دو بعد بزرگ نباید فراموش شوند .

به زودی علمای آموزش و پرورش به این نتیجه رسیدند که برای تحقق اهداف تربیت بدنی نیازمند مطالعات عمیق تر و تحقیقات وسیع تر هستند . بدین ترتیب اولین برنامه هاس مطالعاتی تربیت بدنی و ورزش در رابطه با تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، زیست شناسی ، جامعه شناسی بیومکانیک و سایر آموزش و پرورش بعد از رنسانس گردید .

نظر چند تن از علمای رنسانس راجع به تربیت بدنی :

در این قسمت نظر چند تن از علما و فیلسوفان تعلیم و تربیت دوره رنسانس راجع به تربیت بدنی مورد مطالعه قرار می گیرد تا جایگاه این بخش از تعلیم و تربیت در دوران معاصر مشخص گردد .

روگر آشام (۱۵۱۵-۱۵۶۸) : استاد دانشگاه کمبریج انگلستان ، ارزش تربیت بدنی را به عنوان نوعی آمادگی جنگی و به عنوان وسیله ای برای آرامش دهی در هم آمیخت .

جان میلتون (۱۶۰۸-۱۶۷۴) : شاعر انگلیسی ، عقاید و باورهای خود را درباره تربیت بدنی در رساله تربیتی بیان کرد . او از چگونگی تأثیر تربیت بدنی بر تکامل جسمانی بحث کرد و آنان را وسیله ای برای تفریح و آمادگی جنگی دانست .

جان کومنیوس (۱۵۹۲-۱۶۷۱) : مصلح تربیتی اهل بوهم و ریچارد مل کاستر (۱۵۳۰-۱۶۱۸) مدیر مدرسه انگلیسی ، مطالبی را درباره تربیت بدنی نوشته اند . این دو اهداف

تربیت بدنی را تعریف و آن را به عنوان وسیله ای برای حفظ سلامتی و آمادگی جسمی قلمداد کرده اند .

فرانکوئیس رابلی یس (۱۴۹۰-۱۵۵۳) : نظریه پرداز تربیتی فرانسوی ، بر اهدافی چون آسایش و آرامش جسمانی تأکید داشت و به تربیت بدنی به عنوان بخشی از فرآیند تعلیم و تربیت و به تأثیر مثبت آن در پرورش ذهن و آمادگی برای موقعیت های جنگی اهمیت قائل بود .

نظر چند تن از علمای پس از رنسانس راجع به تربیت بدنی :

در این قسمت نظر چند تن از علما و فیلسوفان تعلیم و تربیت پس از رنسانس راجع به تربیت بدنی مورد مطالعه قرار می گیرد تا جایگاه این بخش از تعلیم و تربیت در دوران معاصر مشخص گردد .

جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) : جان لاک در کتاب « اندیشه هایی درباره تربیت » به توضیح نظرات تربیتی خود پرداخته و اعتقادات خود درباره تربیت بدنی را تعیین نموده است . از دیدگاه وی تربیت بدنی داری سه بخش عمده است : فکری ، اخلاقی و بدنی .

« لاک » معتقد است که بدون توجه به بعد جسمانی ، تربیت نمی تواند کامل و فراگیر باشد . از مطالعه نظرات لاک درباره تربیت بدنی می توان استنباط نمود که سایر جنبه های تربیت در قالب تربیت بدنی تحقق بافتنی است . زیرا در کتاب « اندیشه هایی درباره تربیت » در این زمینه می گوید : « باید به او بیاموزیم که بر تمایلات خود چیره شود و خواهش های خود را به فرمان خود درآورد . اگر این کار انجام شود و از راه تکرار به صورت عادت

در آید دشوارترین بخش تربیت انجام شده است و برای این کار هیچ عاملی مؤثرتر از میل به ستوده شدن نیست و این حالت را باید در او ایجاد کرد . «

مطالعه نظریات لاک درباره شرایط مربی نشان می دهد که معلمین تربیت بدنی به خوبی قادرند اهداف تربیتی وی را محقق سازند . او در این باره می گوید : « کسی که بتواند آسایش روان ، آزادی و فعالیت را از شاگرد نگیرد و با این همه او را از انجام بسیاری کارها در خاطر اوست باز دارد و بسوی کارهای دشوار بکشانند چنین کسی می داند که چگونه می توان این قضایای به ظاهر متناقض را با هم سازش داد و به نظر من چنین کسی را به راز تربیت پی برده است . «

از نظر « لاک » راز بزرگ تربیت ، تأثیر کردن در شاگرد و هدایت اوست بی آنکه آزادی و فعالیت از وی گرفته شود .

ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) : روسو این نویسنده فرانسوی را به حق می توان یکی از بزرگ ترین علمای تعلیم و تربیت بعد رنسانس و پایه گذار آموزش و پرورش نوین دانست . « لاک » هدف آموزش و پرورش را تربیت فرد متناسب با ویژگی های اجتماعی می دانست اما « روسو » بزرگترین وظیفه تربیت را دور نگهداشتن طبیعت و فطرت انسان از پلیدی های جتمعه معرفی می کند .

منظور روسو از تربیت طبیعی رو کردن به زندگی ساده و بیزاری جستن از امور تصنعی و رفتارهای تکلف آمیز و ساختگی است .

روسو ارائه دهنده اصلی به نام اصل « تربیت منفی » است . وی در تفسیر این اصل چنین می گوید : « آن تعلیم و تربیت را مثبت می خوانیم که کوشش دارد به طور زودرس مغز کودک را از اطلاعات و معلومات مختلف انباشته کند و کودک را با وظایفی که خاص بزرگسالان است آشنا سازد . تعلیم و تربیت منفی کوشش دارد تا قبل از دادن اطلاعات و آشنا ساختن کودکان با معلومات جهان ، وسایل کسب معلومات آنان را پرورش کامل دهد . تعلیم و تربیت منفی هرگز مفهوم تنبلی و طفره رفتن ندارد و به جای آموزش اخلاق کودک را از راه بد رفتن باز می دارد و به جای یاد دادن درستی ، کودک را از خطا و نادرستی دور می سازد.»

او در زمینه فقدان زمین بازی در مدارس آن زمان هم می نویسد : « در آموزشگاه ها باید ورزشگاه هایی برای تمرین های بدنی بر پا کرد . این نکته که تا به این اندازه فراموش شده در نظر من مهم ترین بخش تربیت است . نه تنها از نظر سلامت بلکه بیش از آن از نظر تربیت اخلاقی که یا آن را فراموش می کنند و یا دادن دستورهای خشک و بیهوده را کافی می دانند . »

روسو برای مسابقات ورزشی ارزش بسیاری قائل بود و اهمیت آن را برای کودکان و نوجوانان همچنین مسابقات المپیک برای بزرگسالان می داند . ورزش هایی که او پیشنهاد می کند عبارتند از : دویدن ، پرش ارتفاع ، پرش طول ، شنا ، بالا رفتن از درخت ، پرتاب وزنه ، تنیس و هاکی ، او به ویژه ورزش هایی را پیشنهاد می کند که اجرای آنها نیاز به جسارت و شهامت دارد. وی برنامه های ورزشی را برای دختران و پسران به یک اندازه لازم می داند .

روسو با گنجاندن ورزش و تربیت بدنی در سیستم آموزش و پرورش ، تحولی عظیم در تاریخ تعلیم و تربیت ایجاد کرد .

ورزش های سنتی ایران

ایرانیان از دیرباز به ورزش های جنگی و میدانی علاقه مفراطی داشتند و یکی از اهداف عالی آنها از ورزش های پهلوانی و جنگی، آماده ساختن خود برای کشتی گیری و نبرد تن به تن بوده است و داستان هایی چون در آویختن رستم با دیو سفید، کشتی گرفتن رستم و سهراب، جنگ بیژن و هومان، جنگ تن به تن بهرام چوبینه با کوت سردار رومی و نیز داستان ها و جنگ هایی که در دارابنامه، سمک عیار، حسین کرد و دیگر داستان های عامیانه آمده، همه دلالت بر مقام محلم و اهمیت فوق العاده کسوت پهلوانی نزد ایرانیان دارد.



ورزش زورخانه ای

قدمت ورزش زورخانه ای یا باستانی بنا بر شواهد تاریخی، تقریباً به اوایل قرن هفتم هجری می رسد. می گویند نخستین کسی که طرح زورخانه را ریخت پوریای ولی بود. زورخانه ها بیشتر در کوچه پس کوچه های شهر ساخته شده است. که بام آن گنبدشکل و کف آن گودتر از کوچه است. در آن، کوتاه و هر که بخواهد داخل بشود باید خم شود.

ابزارهای ورزش زورخانه‌ای که متعلق به ورزشکاران است، عبارتند از:

- **سنگ**، که امروز، از الوار جنگی؛ صورت دو تخته ساخته می‌شود که یک طرف آن هلال است. درازای آن یک متر و پهنای آن هفتاد سانتی‌متر است. در میان سنگ سوراخی است با دستگیره که روی آن با نهر پوشانده می‌شود تا آسیبی به دست وارد نکند. وزن هر دو سنگ تقریباً از چهل تا صد کیلوگرم است. در قدیم سنگ را از سنگ واقعی می‌ساختند.

- **تخته شنا**، که چوبی است هموار به درازای هفتاد و پهنای هفت و ضخامت دو سانتی‌متر که در اندازه‌های دیگری نیز ساخته می‌شود. زیر تخته شنا در دو سر آن دو پایه دوزنقه‌ای نصب شده است.

- **میل ورزش**؛ افزاری است چوبی و کله قندی شکل و توپر. در بالای آن دسته‌ای قرار دارد و وزن هر میل از پنج کیلو تا چهل کیلوگرم است. گفته می‌شود که میل جایگزین گرز در زورخانه‌ها شده است.

- **میل بازی**؛ شبیه میل ورزش با دسته بلندتر و وزن کمتر است و برای پرتاب کردن به هوا و بازی مناسب می‌باشد.

- **کَبّاده**؛ وسیله‌ای است آهنی مانند کمان و در میان جای دست دارد. درازای آن **نزدکی** به ۱۱۰ تا ۱۳۰ سانتی‌متر است. چلّه کَبّاده از زنجیر و تعداد حلقه‌های آن معمولاً شانزده عدد است. هر حلقه شش پولک آهنی دارد. وزن کَباده بین ده تا چهل کیلوگرم است که گاهی در وزن‌های دیگر نیز ساخته می‌شود.

مقام ورزشکاران در زورخانه به ترتیب عبارت است از: پیش کسوت، میاندار، پهلوان ساخته، نوخاسته و نوچه.

رسم است هر ورزشکار باتجربه پیش از ورود به گود سنگ بگیرد. سنگ گرفتن از بهترین و دشوارترین حرکتهای ورزشی باستانی است. سنگ گیر در بالای گود به پشت می خوابد و دو دست خود را به گونه ای می گیرد که سرهای هلالی آن دو به سو سرش باشد. او ابتدا محل جادستی را می بوسد و شروع به حرکت می کند و هر بار به پهلوی چپ و راست می غلتد. هنگامی که بر پهلوی چپ است سنگی که در دست راست دارد را چنان مستقیم بالا می برد که بازوی خمیده اش راست شود و برعکس. سنگ گرفتن، گونه دیگری نیز دارد. سنگ گرفتن ورزشکار توسط مرشد یا پهلوانان دیگر شمرده می شود؛ شماره ۱۱۷ و ۱۱۴ که میان باستانی کاران مقدس است و مرشد یا پهلوان از این دو شماره بیشتر نمی شمارد.

شنا رفتن نیز آداب مخصوص به خود دارد. قبل از شروع شنا، مرشد با خواندن اشعار پندآمیز، غزلیات عرفانی عشق به حق و پرهیز از آلودگی، روح پهلوانی و دلاوری را در جوانان ورزشکار برمی انگیزد. میاندار و سپس دیگر ورزشکاران تخته شناها را برمی دارند و در پی هم در گود می ایستند و میاندار، میانداری را به ورزشکاران تعارف می کند.

پس از پایان شنا ورزشکاران برمی خیزند و نرمش می کنند. اشعار مخصوص توسط مرشد خوانده می شود و آهنگ ملایمی می گیرد.

مقدمهء میل گرفتن، میل بازی است که انفرادی صورت می گیرد. پس از میل گرفتن برای رفع خستگی، ورزشکاران دسته میل ها را در دست گرفته و ته آن را بر کف گود می گذرانند و پیش و پس می برند و می نشینند و بلند می شوند، به این عمل خم گیری می گویند.

پازدن مرحله بعد است که پیچیده و دشوار می باشد و چرخ زدن نیز ۵ گونه است. کباده کشیدن را همهٔ ورزشکاران انجام نمی دهند. کسانی که می خواهند کباده بشکنند، پس از چرخ دوتا دوتا یا تک تک از مرشد و یا پیش کسوت رخصت می گیرند و سپس کباده ای برمی دارند و پس از بوسیدن محل جادستی با دو دست در بالای سر نگه می دارند.

پهلوان شدن و دست یافتن به پهلوانی، بدون ورزش های زورخانه ای و آموختن فنون کشتی ممکن نیست و به همین جهت ورزش باستانی و آموختن فنون کشتی از دیرباز در ایران رونق داشته است.

چوگان

اصل ورزش چوگان از ایران است. این بازی چنان با فرهنگ و تاریخ و ادبیات ایرانیان در آمیخته که به شعرها، مثل ها، نقوش قالی ها، حجاری ها و نگارگری نیز راه یافته است.

چوگان ورزشی است سراسر پرتلاش و همراه با تاخت و تاز با اسب در میدانی وسیع که میان دو تیم برگزار می شود.

برای نخستین بار از چوگان در کتاب کارنامه اردشیر بابکان نام برده شده و در شاهنامه و روایات طبری آمده که اردشیر بابکان و فرزندش شاهپور در این بازی مهارت زیادی داشته‌اند.

بازی چوگان از ایران به روم شرقی و مصر راه یافت و از سمت شرق به هند و ژاپن و چین رفت در هندوستان، چوگان از ورزش‌های محبوب پادشاهان، به‌ویژه سلسله مغول و گورکانی بود.

در سرزمین‌های اسلامی، ورزش چوگان با نام **صولجان** رواج داشته و اعراب و مسلمانان به آن می‌پرداختند.

در دوره صفویه، بازی چوگان در ایران رواج یافت و شاه‌عباس از ایوان کاخ عالی‌قاپو به تماشای مسابقات چوگان در میدان نقش جهان می‌پرداخت. در سفره‌نامه‌های جهانگردانی چون شاردن و آنتونی شرلی از این بازی سخن به میان آمده است.

تربیت بدنی و ورزش در ایران پس از اسلام

در ایران پس از اسلام سه گروه به‌نام **فتیان**، **عیاران** و **شطاران** ظهور کردند. فعالیت این گروه‌ها مبتنی بر نثار جان و مال و فرزند در راه رضای خدا، عفو و بخشش، روی برتافتن از لذت‌های دنیوی، جوانمردی و عدالت بود.

از آنجا که در دوران استیلای بنی‌امیه و بنی‌عباس سازمان‌دهندگان فتیان و عیاران به مردان فداکار و نیرومندی احتیاج داشتند در محلی که در پیچ و خم کوچه‌ای بود و رونقی نداشت جلساتی مخفیانه تشکیل می‌شد. در آغاز زور بازوی خود

را محک می زدند و محلی به نام زورخانه تشکیل دادند تا به این وسیله آمادگی بدنی و رزمی برای نابودی حکومت ظلم و تشکیل حکومت حق به دست آورند.

تربیت بدنی در عهد صفویه

صفویان ورزش هایی همچون شمشیربازی، اسب دوانی، چوگان، تیراندازی، شکار، شنا و کشتی را رواج دادند. از معروف ترین پهلوانان این دوره می توان پهلوان بیک قمری، پهلوان میرباقر آجرپز، پهلوان جلال یزدی و پهلوان حیدر را نام برد.

در اواخر دوران صفوی که انحطاط و فساد دستگاه شاه سلطان حسین صفوی به جامعه از جمله زورخانه کشیده شد. ورزش و پهلوانی به علت بی کفایتی دربار و حکام شاه سلطان حسین که غرق در خوشی و لذت های ناروا شده بودند، نه تنها مقام معنوی خود را از دست داد و به زوال کشیده شد، بلکه ورزش که حافظ دین و ناموس شناخته می شد به عامل مزاحم ناموس مبدل شد. جوانان بسیاری به جای پرداختن به عملیات جسمانی بیشتر به دزدی و شب روی پرداختند.

تربیت بدنی و ورزش در زمان قاجاریه

ورزش در زمان آقامحمدخان قاجار که از مردانگی و جوانمردی بهره ای نداشت به انزوا کشیده شد و ورزش پهلوانی کنار گذاشته شد. حتی پهلوانان را از روی بخل و حسادت زجر و شکنجه نیز می دادند.

اما به لحاظ آنکه مردم این فن شریف را دوست داشتند پس از قتل شاه، باز به ورزش به خصوص رشته کشتی پرداختند و به تدریج دوباره سنت باستانی را زنده کردند. قاجاریان همچون گذشتگان خود نظر به محبوبیت پهلوانان در بین

مردم خود را ناگزیر علاقه‌مند به آنان نشان دادند، تا بدین وسیله خود را محبوب ملت سازند.

در این دوره پهلوانان در جشن‌ها به کشتی می‌پرداختند و در طول مسابقات، پهلوان پایتخت معین می‌شد. دیدارهای خارج از کشور در کشتی پهلوانی آغاز شد و چند نفری برای مسابقه به خارج از کشور سفر کردند. همچنین کشتی‌گیران برجسته‌ای از هند، روس، افغانستان ... به ایران آمدند.

تربیت بدنی و ورزش در دوره پهلوی

اولین انجمن تربیت بدنی به صورت رسمی و قانونی سال ۱۳۱۳ تشکیل شد. ریاست عالیّه آن را محمدرضا پهلوی به عهده داشت. حسین علاء به ریاست آن انتخاب شد. او عضو لژ بیداری جهانی و عضو لژ «مهر» وابسته به آلمان نیز بوده است.

مهم ترین فعالیت های انجمن عبارت‌اند از:

۱. تهیه کتب و مقررات ورزشی برای ورزشکاران ایرانی.
 ۲. تربیت تعدادی ورزشکار و مربی زیر نظر کارشناس آمریکایی (گیسون).
 ۳. تشکیل باشگاه‌های ورزشی، اردوهای تابستانی و شرکت در المپیک ۱۹۳۶ برلین.
- سال ۱۳۱۷ دانش‌سرای مقدماتی تربیت بدنی پسران تأسیس شد و برای نخستین بار به گزینش هنرآموز تربیت بدنی پرداخت. این دانش‌سرا پس از سه سال تعطیل شد و بار دیگر سال ۱۳۲۶ کار خود را از سر گرفت.
- گذشته از دانش‌سرای مقدماتی تهران، در اصفهان نیز رشته تربیت بدنی از سال ۱۳۳۰ دایر شد. دانش‌سرای عالی نیز از سال ۱۳۳۵ رسماً دوره کارشناسی تربیت بدنی

را تأسیس کرد. همچنین دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران (سال ۴۵ و ۴۶) و مدرسه عالی ورزش وابسته به سازمان تربیت بدنی که بعدها به دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی (دانشگاه تربیت معلم) تغییر نام داده شد از سال تحصیلی ۵۲ - ۵۱ کار خود را آغاز کرد. از سال تحصیلی ۵۴ - ۵۳ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران دوره کارشناسی ارشد تربیت بدنی را دایر نمود.

دانشگاه های جندی شاهیپور و گیلان نیز در سالهای آخر دوره پهلوی به پذیرش دانشجو برای رشته تربیت بدنی اقدام کردند

در سال ۱۳۲۰ تربیت بدنی به دو بخش متمایز تفکیک شد یعنی تربیت بدنی آموزشگاه ها به وزارت فرهنگ زمان ، ورزش دستجات آزاد و پیشاهنگی به انجمن ملی تربیت بدنی واگذار شد، در گذر سالها در این ساختار همیشه متغیر، باز هم تغییراتی پیش آمد و در سه بخش مجزا یعنی سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم، کمیته ملی المپیک و شورای ورزش بانوان متمرکز شد .

در سال ۱۳۵۰ سازمان تربیت بدنی با قرار گرفتن در بخش معاونت نخست وزیری شکل قانونی تر و مستقل تری به خود گرفت و از این پس در استان ادارات کل تربیت بدنی و هیئتهای ورزشی عهده دار امور تربیت بدنی و ورزش در مرکز سازمان تربیت بدنی فدراسیونهای ورزشی و کمیته ملی المپیک ناظر بر فعالیت های ورزشی شدند . در سال ۱۳۵۳ به لحاظ برگزاری این بازی ها مجموعه ورزشی آزادی احداث شد و به تناسب گسترش روزافزون ورزش و بنا به

ضرورت توجه به اصول علمی تربیت بدنی و ورزش که در دنیای غرب به سرعت رو به تکامل و پیشرفت بود به تدریج مدارس و دانشکده های تربیت بدنی شکل گرفتند و حضور مرتب تیم های ورزش در دوره های مختلف از جمله بازی های المپیک و موفقیتی که در برخی از رشته های ورزشی مثل کشتی و وزنه برداری نصیب قهرمانان ایران شد زمینه ساز گسترش علاقه مردم به ورزش گردید.